

سواد حسابداری و پیامدهای آن در کارآفرینی و توانمندسازی جامعه

افسانه نظری^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۰۳/۳۱

چکیده

کارآفرینان دارای سواد و دانش حسابداری این قابلیت و توانایی و نیز اعتماد به نفس را دارند تا به واسطه اتخاذ تصمیمات مطلوب و نیز برنامه‌ریزی بلند مدت در راستای امور مالی، موضوعات مالی شخصی و نیز حیطه کاری خود را مدیریت نمایند که این امر بدون در نظر داشتن رویدادها و تغییر شرایط اقتصادی امکان‌پذیر نمی‌باشد بر همین اساس دانش حسابداری برای کارآفرینان از میزان اهمیت قابل توجهی برخوردار می‌باشد. موضوع سواد حسابداری و لزوم بررسی آن بدین لحاظ با اهمیت است که عدم کفایت دانش مالی و حسابداری، زندگی افراد، خانواده، دوستان، شرکت‌ها و شرکای تجاری کارآفرینان را به سبب اتخاذ تصمیمات نامناسب مالی تحت الشعاع قرار می‌دهد و این امر اثرات نامناسب بر توانمندسازی جامعه داشته و حتی سبب کاهش ثروت ملی و در نهایت کاهش سطح رفاه مالی در جامعه می‌گردد. با توجه به مالی شدن هر چه بیشتر جنبه‌های مختلف زندگی اجتماعی، کارآفرینان ناگزیر از داشتن دانش حسابداری و مالی هستند. از این رو، می‌توان گفت که بی‌سوادی (عدم داشتن مهارت و تخصص) در حوزه حسابداری، می‌تواند عملکرد کارآفرینان و توانمندسازی جامعه را تحت شعاع قرار دهد. لذا هدف این پژوهش بررسی سواد حسابداری و پیامدهای آن در کارآفرینی و توانمندسازی جامعه است.

واژگان کلیدی

سواد حسابداری، توانمندسازی جامعه، کارآفرینی.

^۱ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی نجف آباد، نجف آباد، ایران.

(afsanehnnazari1994@gmail.com)

مقدمه

دانش حسابداری بهتر باید به کارآفرینان در مدیریت کسب و کارشان هم در بعد عملیاتی (داویلا و فاستر^۱، ۲۰۰۵) و هم در بعد مالی (اتکینسون^۲، ۲۰۱۷) کمک کند. با این حال، دانش بالاتر از ابزارها و مفاهیم حسابداری و مالی نیز ممکن است با رویکردی پرمخاطره به جستجوی بازده و در نتیجه، احتمال شکست بیشتر همراه باشد (کاسار^۳، ۲۰۰۴). آثار اساسی در مورد سواد حسابداری برخی از حقایق تلطیف شده را مستند کرده است: سطح سواد حسابداری عمومی نسبتاً پایین است؛ و زنان، افراد جوانتر و مسن تر نسبت به بقیه جمعیت از سواد حسابداری کمتری برخوردارند (لوساردی و میشل^۴، ۲۰۱۴). علاوه بر این، سطح بالاتری از سواد حسابداری با تصمیمات مالی بهتر و برنامه ریزی مالی مرتبط است (لوساردی و میچل، ۲۰۰۷؛ ون رویج و همکاران^۵، ۲۰۱۱). از سوی دیگر شاخه‌ای از ادبیات کارآفرینی و امور مالی کارآفرینی تأثیر آموزش را بر انتخاب بین رفتن برای شغل با حقوق در یک شرکت موجود یا خوداشتغالی بررسی کرده است. این ادبیات نتایج متفاوتی یافته است. در حالی که کار^۶ (۱۹۹۶) یک اثر مثبت می‌یابد، ریس و شاه^۷ (۱۹۸۶)، بلانچ فلاور و همکاران^۸ (۲۰۰۱) و توماس^۹ (۲۰۰۹) دریافتند که تحصیلات تأثیر منفی بر احتمال خوداشتغالی دارد و به این نتیجه رسیدند که افراد با تحصیلات بهتر ترجیح می‌دهند به عنوان کارمند کار کنند.

علاوه بر این، بیتس^{۱۰} (۱۹۹۰) و پنینگز و همکاران^{۱۱} (۱۹۹۸) دریافتند که آموزش تأثیر مثبتی بر احتمال بقای یک شرکت دارد. نگوین و همکاران^{۱۲} (۲۰۲۰) یک تجزیه و تحلیل از مهمترین مقالات در مورد امور مالی کارآفرینی انجام دادند و هفت حوزه مختلف را شناسایی کردند: (۱) تامین مالی سرمایه گذاری خطرپذیر کارآفرین؛ (۲) تامین مالی جمعی؛ (۳) فعالیت ها و عملکرد مالی یک سرمایه گذاری؛ (۴) کارآفرینی اجتماعی؛ (۵) ریسک مالی؛ (۶) تامین مالی خرد؛ و (۷) سرمایه انسانی، اجتماعی و مالی. مطالعه سواد حسابداری و کارآفرینی در آخرین حوزه قرار می‌گیرد، زیرا سواد حسابداری بخشی از سرمایه انسانی کارآفرین قلمداد می‌شود (ترومبتا^{۱۳}، ۲۰۲۳). شواهدی وجود دارد مبنی بر اینکه کارآفرینانی که سطح تحصیلات عمومی بالاتری دارند بیشتر مستعد استفاده از منابع مالی خارجی هستند (کلمبو و همکاران^{۱۴}، ۲۰۱۹؛ مینا و همکاران^{۱۵}، ۲۰۱۳). از سوی دیگر، ادبیات حسابداری و کارآفرینی نشان داده است که اتخاذ سیستم‌های کنترل مدیریت پیچیده می‌تواند یک عنصر حیاتی در تعیین یک انتقال موفقیت‌آمیز از مرحله راه‌اندازی به مرحله رشد بعدی باشد (داویلا و فاستر^{۱۶}، ۲۰۰۵؛ داویلا و همکاران^{۱۶}، ۲۰۱۰). موسس باید بتواند نیاز به اتخاذ رویکردی

¹ - Davila & Foster

² - Atkinson

³ - Cassar

⁴ - Lusardi & Mitchell

⁵ - Van Rooij et al

⁶ - Carr

⁷ - Rees & Shah

⁸ - Blanchflower et al

⁹ - Thomas

¹⁰ - Bates

¹¹ - Pennings et al

¹² - Nguyen et al

¹³ - Trombetta

¹⁴ - Colombo et al

¹⁵ - Mina et al

¹⁶ - Davila et al

حرفه ای تر و کمتر شخصی در مدیریت را برای تکمیل موفقیت آمیز مرحله انتقال درک کند. در بین سیستم های کنترل مدیریت، برنامه ریزی مالی و ارزیابی مالی نقش برجسته ای دارند (ترومبتا، ۲۰۲۳).

سواد حسابداری به عنوان سنگ بنای توانمندسازی افراد و جامعه عمل می کند و دانش و مهارت های ضروری مورد نیاز برای هدایت چشم اندازهای پیچیده اقتصادی را فراهم می کند (دانیل و جوزف^۱، ۲۰۲۲). در مناطق کم درآمد، که نابرابری های اقتصادی اغلب تشدید می شود، نیاز به آموزش حسابداری و مالی مؤثر و توانمندسازی به ویژه مشهود است. به گونه ای که اهمیت سواد حسابداری در جوامع کم درآمد قابل اغراق نیست. تحقیقات نشان داده است که افراد دارای مهارت های سواد حسابداری برای مدیریت منابع خود، انتخاب های مالی آگاهانه و کار در جهت بهبود اقتصادی پایدار مجهزتر هستند (فرناندز و همکاران^۲، ۲۰۱۴). مشخص شده است که ابتکارات حسابداری داوطلبانه با ایجاد فرصت هایی برای افراد برای کسب سواد حسابداری از طریق تعامل با دیگران در محل کار یا جامعه، نقش مهمی در توانمندسازی جمعیت های کم درآمد دارد (لوساردی و میشل، ۲۰۱۴). این امر به ویژه با توجه به تنوع قابل توجهی در سواد حسابداری بر اساس سن، تحصیلات، استان و نژاد مهم است و نیاز به ابتکارات هدفمند در جوامع کم درآمد را برجسته می کند (نانزیری و لیبراند^۳، ۲۰۱۸). علاوه بر این، رابطه تثبیت شده بین توانمندسازی زنان و سواد حسابداری بر اهمیت سواد حسابداری در توانمندسازی زنان در جوامع کم درآمد تأکید می کند (لی و هوروتا^۴، ۲۰۲۲). ابتکارات حسابداری داوطلبانه می تواند با بالا بردن سواد حسابداری، که یک عنصر حیاتی در بهبود رفاه مالی جوامع است، به توانمندسازی جامعه کمک کند (تنگگامانی و همکاران^۵، ۲۰۲۱).

رویکردهای ظرفیت سازی مورد استفاده در ابتکارات داوطلبانه، مانند یادگیری فعال مبتنی بر گروه، در ایجاد سواد حسابداری اعضای جامعه مؤثر بوده است (فهمی و همکاران^۶، ۲۰۲۲). علاوه بر این، همبستگی مثبت بین سواد حسابداری و مدیریت مالی بهتر جامعه بر تأثیر بالقوه ابتکارات حسابداری داوطلبانه بر افزایش تصمیم گیری مالی جمعیت های کم درآمد تأکید می کند (ایرمالیس^۷، ۲۰۲۲). سواد حسابداری به ویژه در زمینه خانوارهای کم درآمد مرتبط است، همانطور که توسط رابطه بین سواد حسابداری و بدهی بیش از حد در چنین خانوارهایی مشهود می شود (فرنچ و مک کیلوپ^۸، ۲۰۱۶). علاوه بر این، تحقیقات نشان داده است که اسپانیایی ها و آمریکایی های آفریقایی تبار کمترین امتیاز را در مفاهیم سواد حسابداری کسب می کنند و نیاز به مداخلات هدفمند در این جوامع را برجسته می کند (لوساردی و میشل، ۲۰۱۱). بنابراین، ابتکارات حسابداری داوطلبانه متناسب با نیازهای خاص جمعیت های کم درآمد می تواند نقش مهمی در رسیدگی به شکاف های سواد حسابداری و توانمندسازی جامعه داشته باشد. افزون بر این استفاده صحیح از ابزارهای مالی مختلف و همچنین دانش حسابداری و مالی خوب توسط افراد در تاسیس شرکت های تولیدی، کلید شانس رشد و موفقیت یک سرمایه گذاری تجاری است. از این رو، بر اساس ادبیات تصمیم گیری مالی، در مورد امور مالی کارآفرینی و توانمندسازی جامعه ممکن است انتظار داشته که سواد حسابداری در انعطاف پذیری و موفقیت کارآفرینی و توانمندسازی

¹ - Daniel & Joseph

² - Fernandes et al

³ - Nanziri & Leibbrandt

⁴ - Lee & Huruta

⁵ - Tanggamani et al

⁶ - Fahmy et al

⁷ - Irmalis

⁸ - French & McKillop

جامعه نقش قابل توجهی ایفا کند. از این رو هدف این پژوهش بررسی سواد حسابداری و پیامدهای آن در کارآفرینی و توانمندسازی جامعه است.

۲. مبانی نظری و ادبیات پژوهش

سواد حسابداری برای کمک به افراد در شناسایی رفتارهای حسابداری و مالی که مدیریت خوب منابع مالی را ارتقا می‌دهند، حیاتی است. این به کارآفرینان اجازه می‌دهد تا مفاهیم اساسی مالی مانند نرخ بهره، ریسک، بازده سرمایه گذاری، تورم و تنوع سرمایه گذاری را درک کنند. سواد حسابداری توانایی کارآفرینان را برای مطالعه و درک نگرانی های مالی افزایش می‌دهد (هیلگرت و همکاران^۱، ۲۰۰۳). این یک مهارت ضروری برای تصمیم گیری های مالی موفق کارآفرینان است. سواد حسابداری توانایی و مهارت استفاده از دانش و درک مفاهیم حسابداری و مالی برای اتخاذ تصمیمات تجاری خوب در شرایط مختلف مالی است (جولیوس تومبا و همکاران^۲، ۲۰۲۲). به گفته کیم^۳ (۲۰۰۱)، سواد حسابداری یک مهارت اساسی است که کارآفرینان در حوزه های مختلف برای پیشرفت در تجارت به آن نیاز دارند. استون و همکاران^۴ (۲۰۰۸) سواد حسابداری را به عنوان درک اساسی در مورد چگونگی مدیریت مؤثر بدهی تعریف کردند. بنابراین، سواد حسابداری توانایی تصمیم گیری های حسابداری سالم است (جولیوس تومبا و همکاران، ۲۰۲۲).

سواد حسابداری نه تنها تصمیم گیری های فردی را تقویت می‌کند بلکه به قدرت و مقاومت جمعی جامعه نیز کمک می‌کند. جوامع با سواد حسابداری بهتر برای حرکت در چالش های اقتصادی، دفاع از نیازهای خود و استفاده مؤثر از منابع موجود مجهز هستند. این توانمندسازی احساس مسئولیت مشترک و توانمندسازی جمعی را تقویت می‌کند و منجر به مشارکت فعال در فرصت های اقتصادی، کاهش فقر و توسعه کلی جامعه می‌شود (کلایر و لوساردی^۵، ۲۰۱۹). مشخص شده است که سواد حسابداری نقش مهمی در ایجاد مقاومت مالی، به ویژه در زمینه جوامع و مشاغل دارد. مطالعات نشان داده است که سواد حسابداری با مقاومت مالی همراه است، زیرا افراد و مشاغل را به دانش و مهارت ها برای مدیریت مؤثر مشکلات اقتصادی و تصمیم گیری های مالی آگاهانه مجهز می‌کند (حمید و همکاران^۶، ۲۰۲۳؛ دار و جیسوال^۷، ۲۰۲۱). علاوه بر این، سواد حسابداری با عملکرد پایدار، کاهش فقر و انعطاف پذیری مالی مرتبط است (الشبامی و مراد^۸، ۲۰۲۲؛ کومسون و همکاران^۹، ۲۰۲۲). همچنین مشخص شده است که رابطه بین سواد حسابداری و عملکرد پایدار را تعدیل می‌کند و اهمیت آن را در تقویت ثبات اقتصادی برجسته می‌کند (الشبامی و مراد، ۲۰۲۲). افزون بر این، تأثیر سواد حسابداری بر رفتار مالی خانوار، تصمیمات سرمایه گذاری و کاهش فقر گسترش می‌یابد. تحقیقات نشان داده است که سواد حسابداری بر رفتار خانگی، تصمیمات سرمایه گذاری و کاهش فقر در مناطق مختلف و جمعیتی تأثیر می‌گذارد (واردانو و نصیر^{۱۰}، ۲۰۲۲؛ حسین و همکاران^۱، ۲۰۲۲). همچنین، سواد مالی به عنوان یک عامل اصلی در بهبود شمول مالی و کاهش فقر، به ویژه برای زنان و جوانان شناخته شده است (آرینی و همکاران^۲، ۲۰۲۰؛ ژو و چو^۳، ۲۰۱۸).

¹ - Hilgert et al

² - Julius Tumba

³ - Kim

⁴ - Stone et al

⁵ - Klapper & Lusardi

⁶ - Hamid et al

⁷ - Dhar & Jaiswal

⁸ - Alshebami & Murad

⁹ - Koomson et al

¹⁰ - Wardhono & Nasir

ابیریم و همکاران^۴ (۲۰۲۴) در پژوهشی با مرور ادبیات جامع به عنوان پایه، اثربخشی تلاش‌های داوطلبانه را در توانمندسازی جوامع از طریق افزایش سواد حسابداری بررسی کردند. این مطالعه به ارتباط بین سواد حسابداری و توانمندسازی جامعه می‌پردازد و بر تأثیر بلندمدت ابتکارات حسابداری داوطلبانه بر رفاه اقتصادی جوامع کم درآمد تأکید می‌کند. این با پیامدهای سیاستی برای تصمیم‌گیرندگان، حمایت از ادغام سواد حسابداری در برنامه‌های جامعه و حمایت از طرح‌های داوطلبانه به پایان می‌رسد. ترومبتا (۲۰۲۳) در پژوهشی به بررسی این موضوع پرداختند که آیا سطح سواد حسابداری و مالی در بین کارآفرینان در سه کشور اروپایی ایتالیا، اسپانیا و بریتانیا به طور قابل توجهی متفاوت است یا خیر. علاوه بر این، به تجزیه و تحلیل این موضوع نیز پرداخته می‌شود که آیا سواد حسابداری و مالی انعطاف‌پذیری و موفقیت کارآفرینی را تقویت می‌کند یا مانع آن می‌شود. نتایج نشان داد که سطح سواد حسابداری و مالی پایه در بین کارآفرینان در بریتانیا به طور قابل توجهی پایین تر است. بر اساس فرصت‌های شغلی استدلال می‌شود که سواد حسابداری و مالی اولیه شانس بقای یک تجارت را افزایش می‌دهد، در حالی که سواد حسابداری و مالی پیشرفته آن را کاهش می‌دهد. ریه و همکاران^۵ (۲۰۲۲) در پژوهشی اثرات متقابل سواد حسابداری و ریسک‌گریزی را در تبدیل شدن به یک کارآفرین بررسی کردند. نتایج نشان می‌دهد تفاوت در ریسک‌گریزی بین کارآفرینان و حقوق‌بگیران مشروط به سواد حسابداری آنها است. اول، از نظرسنجی استفاده شد و ریسک‌گریزی کمتر را فقط برای کارآفرینان با سواد حسابداری پایین یافته شد. این تفاوت برای کارآفرینان با سواد حسابداری بالاتر از بین می‌رود. دوم، نتایج نشان داد در یک آزمایش میدانی کاملاً مشوق با استارت‌آپ‌های با فناوری پیشرفته از سه کشور اروپایی قوی هستند. نتایج یک کانال بالقوه را نشان می‌دهد که چگونه سواد حسابداری می‌تواند کارآفرینی را ارتقا دهد.

جولیوس تومبا و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر سواد حسابداری و مالی بر عملکرد تجارت در بین کارآفرینان زن پرداختند. نتایج نشان داد که سواد حسابداری و مالی تأثیرات قابل توجهی در عملکرد تجاری کارآفرینان زن دارند. علاوه بر این، این نتایج نشان داد که آموزش مالی بیشتر به واریانس عملکرد تجاری کارآفرینان زن کمک می‌کند، این کار با شیوه‌های حسابداری دنبال می‌شود، در حالی که پیشگیری از پول نقد کمترین تأثیر را در واریانس عملکرد کسب و کار دارد. این بدان معنی است که آموزش مالی و حسابداری برای موفقیت کارآفرین‌های زن ضروری است. کوموروویچ و هیل^۶ (۲۰۱۹) در پژوهشی بررسی می‌کنند که آیا سواد حسابداری یکی از ویژگی‌های شخصی است که کارآفرینان را از حقوق‌بگیران متمایز می‌کند. آنها از داده‌های مربوط به رفتار پس انداز خانوارهای آلمانی استفاده کردند. این داده‌ها برای هدف خود مناسب هستند، زیرا اجازه می‌دهند حقوق‌بگیران را از افراد خوداشتغال جدا کنند و در عین حال اطلاعاتی در مورد سطح سواد حسابداری پاسخ‌دهندگان را نیز شامل می‌شوند. از این رو، داده‌ها اجازه می‌دهد تا تأثیر سواد حسابداری بر احتمال خوداشتغالی را برازش کرد. نتایج نشان داد که سواد مالی تأثیر مثبتی بر کارآفرینی دارد.

¹ - Hussain et al

² - Arini et al

³ - Zhu & Chou

⁴ - Ebirim et al

⁵ - Riepe

⁶ - Cumurovic & Hyll

پاشایی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی رابطه علی آموزش اقتصاد با سواد مالی، مهارت‌های تصمیم‌گیری و قصد کارآفرینی دانشجویان پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که آموزش اقتصاد بر سواد مالی دانشجویان تأثیر مثبت و معناداری داشته و آموزش اقتصاد از طریق سواد مالی بر مهارت‌های تصمیم‌گیری و قصد کارآفرینی دانشجویان تأثیر دارد. بنابراین به تصمیم‌گیرندگان آموزش عالی توصیه می‌شود که در برنامه درسی رشته‌های مهندسی، واحدهای درسی مرتبط با اقتصاد در نظر بگیرند و با آموزش سواد مالی، زمینه بهبود تصمیم‌گیری‌های مالی-اجتماعی دانشجویان و رشد اقتصادی و توسعه پایدار جامعه را فراهم آورند. دری سده و توکلی (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی و ارزیابی سواد مالی کارآفرینان روستایی شهرستان سمیرم استان اصفهان پرداختند.

دانش حسابداری تقریباً با تمامی بخش‌های جامعه در ارتباط مستقیم و یا غیرمستقیم می‌باشد ولی توجه مناسبی در ارتباط با مفهوم‌سازی سواد حسابداری به عمل نیامده است. بنابراین به نظر میرسد در حال حاضر دانش حسابداری بعنوان یک دانش عمومی و همگانی مورد توجه قرار نگرفته است و در واقع دانش حسابداری جایگاه عمومی و اجتماعی خود را بدست نیاورده است. پژوهش حاضر بدنبال این است تا مفهوم جدیدی را تحت عنوان سواد حسابداری در ادبیات کارآفرینی تبیین و مطرح نماید این امر می‌تواند به کارآفرینان جامعه در ساماندهی فعالیت‌های مالی و شخصی خود یاری رساند و به بیانی ساده‌تر وضعیت مالی و سود و زیان امورات و فعالیت‌های روزمره شخصی، سازمانی و اطلاعات بازار کسب و کار را به بهترین وضع مدیریت و ساماندهی نمایند. با توجه اهمیت فزاینده مباحث مرتبط با دانش مالی و سواد حسابداری و تاثیر شگرف آن بر شفافیت اطلاعاتی و گزارشگری مالی، رفاه مالی افراد و خانوارها، سرمایه‌گذاری، رشد و توسعه اقتصادی، متأسفانه این موضوع در حوزه کارآفرینی تا به حال در کشور بطور جدی مورد توجه قرار نگرفته و طبق بررسی‌های انجام شده، سواد حسابداری و همچنین آموزش و ارتقاء مفاهیم مرتبط با سواد در حوزه کارآفرینی، حتی در مجامع آکادمیک و پژوهشهای دانشگاهی نیز کمتر مورد ملاحظه قرار گرفته است. از این رو این پژوهش درصدد آن است که بررسی سواد حسابداری و پیامدهای آن در کارآفرینی و توانمندسازی جامعه بپردازد.

۱-۲. کارآفرینی

کارآفرینی در افزایش توان رقابتی و کسب مزیت رقابتی، عنصر مهمی می‌باشد. کارآفرینی فعالیتی است که سازمان‌ها برای ارتقای ریسک‌پذیری، نوآوری در محصولات و پاسخ‌دهی به نیازهای محیطی انجام می‌دهند. همچنین کارآفرینی به توسعه یادگیری سازمانی و قابلیت فردی، یادگیری گروهی، توسعه‌الگوی ذهنی و چشم‌انداز مشترک و به طور کلی، اقدامات فرهنگی نیاز دارد (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۴). کارآفرینی فرایندی است که در محیط‌ها و مجموعه‌های مختلفی پدید می‌آید و طی آن تغییرات در سیستم اقتصادی از طریق نوآوری افرادی که به فرصت‌های اقتصادی واکنش نشان می‌دهند، رخ می‌دهد و این باعث ایجاد ارزش فردی و اجتماعی خواهد شد (اکولس و نک، ۱۹۹۸). کارآفرینی یک فرآیند پویا از بصیرت، تغییر و آفرینش است. کارآفرینی نیازمند کاربرد انرژی و علاقه شدید در جهت خلق و اجرای ایده‌ها و ایجاد راه‌حل‌های جدید است. عناصر اصلی کارآفرینی عبارتند از: تمایل به پذیرش ریسک‌های حساب شده- بر حسب زمان، برابری، یا کارراهه؛ توانایی تدوین یک تیم مخاطره‌پذیر اثربخش؛ مهارت خلاق برای مرتب کردن منابع مورد نیاز؛ مهارت بنیادی بنای طرح تجاری قابل اطمینان؛ و نهایتاً بصیرت در شناسایی فرصت‌هایی که دیگران آن را به صورت

آشوب، متناقض و در هم‌وبرهم می‌بینند (کوراتکو^۱، ۲۰۰۳). کارآفرینی یک واژه شایع است. سیاست‌گذاران، اقتصاددانان، انجمن‌های علمی و حتی دانشجویان دانشگاه در مورد آن صحبت می‌کنند. همه ساله در سراسر دنیا سمینارها، کنفرانس‌ها و کارگاه‌هایی سازماندهی می‌شوند که بر اهمیت کارآفرینی برای کشور و سازمان‌ها، جامعه و نیز توسعه فردی تأکید می‌کنند. امروزه کارآفرینی به عنوان یکی از بهترین استراتژی‌های توسعه اقتصادی برای توسعه رشد اقتصادی کشور و تقویت رقابت‌پذیری کشور و سازمان‌ها در مواجهه با گرایش‌های فزاینده جهانی‌سازی نگریده می‌شود (کیت و همکاران^۲، ۲۰۱۱). ریچارد چرویتز استاد ارتباطات دانشگاه تگزاس، در زمینه کارآفرینی معتقد است که: «تولید ثروت مادی تنها یکی از تجلی‌های کارآفرینی است. کارآفرینی یک کسب و کار نیست. کارآفرینی نگرشی به درگیر شدن در دنیا است-یک فرآیند نوآوری فرهنگی است» (گیب و هانان^۳، ۲۰۰۶).

کشورهای در حال توسعه به فرایند کارآفرینی به دلایل متعددی مانند رشد روزافزون جمعیت، خصوصی سازی، بحران بیکاری و محدودیت‌های مالی توجه به سزایی دارند. در همین راستا سازمان‌ها از کارآفرینی سازمانی به عنوان ابزار قدرتمندی جهت تداوم حیات خود بهره می‌گیرند. چرا که کارآفرینی سازمانی نه تنها در جهت ایجاد یک کسب‌وکار جدید بلکه کلیه فعالیت‌های نوآورانه در توسعه محصول، خدمات جدید، راهبردها و جایگاه‌های جدید برای سازمان‌ها کاربرد دارد (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۰). یکی از مقدمات فرایند کارآفرینی که از آن به منظور توسعه فرهنگ کارآفرینی استفاده می‌شود توجه به ایجاد نگرش به کارآفرینی است. فرهنگ کارآفرینی مجموعه‌ای از روش‌ها، باورها و رفتارهایی است که با شخصیت کارآفرینان رابطه متقابلی دارد. نگرش به کارآفرینی نیز ویژگی‌های درونی است که فرد را به بروز رفتارهای کارآفرینانه تشویق می‌کند (کاظمی و همکاران، ۲۰۱۴). این نگرش یک متغیر اساسی است که می‌تواند بر ذهنیت و رفتار فردی تأثیر بگذارد. در نتیجه قصد کارآفرینی افراد که تحت تأثیر برخی عوامل خارجی نظیر آموزش کارآفرینی، شرایط محیطی قرار دارد نیز افزایش می‌یابد (ماهندرا و همکاران^۴، ۲۰۱۷). گرایش کارآفرینی شرکت‌ها را برای افزایش عملکرد خود سازگار و انعطاف پذیر می‌کند و فضایی را برای ایده‌های جدید و نوآورانه فراهم می‌کند (نیمند و همکاران^۵، ۲۰۲۰). گرایش کارآفرینی همچنین به مدیران اجازه می‌دهد تا توانایی شرکت خود را از طریق بهبود امکانات و کشف فن‌آوری‌های جدید برای ورود به بازارهای موجود به حداکثر برسانند (هیوز و همکاران^۶، ۲۰۲۱).

۲-۲. کارآفرینی سازمانی

کارآفرینی سازمانی مفهومی است که بر سازمان متمرکز است نه بر فرد و بر فرهنگ و فعالیت‌های سازمانی. کارآفرینی سازمانی فرایندی برای تجدید سازمان است کارآفرینی سازمانی را یک مزیت رقابتی برای خلق ارزش درون سازمانی می‌دانند. کارآفرینی سازمانی شامل پرورش رفتارهای کارآفرینانه در سازمانی می‌شود، بنابراین کارآفرینی سازمانی به این معنی است که سازمان‌ها می‌توانند نوآوری‌های مفید را با تشویق کارکنان برای فکر کردن، توسعه دهند و به آنها برای تعقیب برنامه هایشان، آزادی و انعطاف‌پذیری دهند (ملک اخلاق و همکاران، ۱۴۰۱). برای رسیدن به یک تعریف جامع در کارآفرینی سازمانی، تعیین کردن آن ابعادی که کارآفرینی فردی را به کارآفرینی سازمانی تبدیل می‌کند،

¹ - Kuratko

² - Keat et al

³ - Gibb & Hannon

⁴ - Mahendra et al

⁵ - Niemand et al

⁶ - Hughes et al

ضروری است، اما برخی معتقدند که یکی از دلایل این عدم اتفاق نظر، عناوین مختلفی است که در تعریف این پدیده به کار گرفته می‌شود به طوریکه کارآفرینی سازمانی در مطالعات تجربی به شیوه‌های مختلفی عملیاتی و نام‌گذاری شده است (دهقانی زاده و فرجی، ۱۴۰۲).

کارآفرینی سازمانی عبارت است از فرآیندی که به وسیله آن افراد فرصت‌های درون سازمان‌ها را بدون توجه به منابعی که در اختیار دارند، شکار می‌کنند. کارآفرینی سازمانی مفهومی است که نوآوری‌ها را به عنوان ترکیبات اصلی می‌پذیرد: گسترش یا فرمول‌بندی جدید محصولات، مهندسی مجدد یا کاهش هزینه فرآیند، جستجوی بازارهای بکر و دست نخورده، کاربردهای جدید محصولات و خدمات جدید، سرمایه‌گذاری‌های جدید (گیب^۱، ۲۰۱۲). فضای (بافت) حمایتی؛ کارکنان زمانی می‌توانند کارآفرین شوند که ساختار سازمانی، مشوق و حامی ایده کارآفرینانه شان باشد و یک فرد زمانی می‌تواند کارآفرین شود که ساختار سازمان به گونه ای باشد که رفتار کارآفرینانه را حمایت و تشویق کند. آنتونیک و سریع گرایش کارآفرینی را در کارآفرینی درون سازمان قراردادده و هشت بعد به عنوان ویژگی آن بکار برده اند که عبارت است از: مخاطره آمیز بودن کسب و کار جدید ورود به کسب و کارهای جدید، نوآوری محصولات و خدمات، نوآور بودن فرایند کاری، نوسازی، ریسک پذیری، استقلال عمل و مبارزه رقابتی به طور کلی ابعاد اصلی گرایش بکارآفرینی شامل نوآور بودن، استقلال عمل داشتن، ریسک پذیری، استقلال عمل و رقابت تهاجمی است (کنجکاو منفرد و مهارت، ۱۴۰۱).

۲-۳. نقش کارآفرینی در رابطه بین قابلیت های مدیریتی و عملکرد

یکی از عامل بااهمیت برای موفقیت و پیشرفت واحدهای تولید به خصوص در دنیای امروز کارآفرینی می‌باشد. به شکلی که بررسی‌های گذشته نیز به این نکته اشاره دارند که گرایش کارآفرینی یکی از عوامل مهم برای موفقیت و پیشرفت سازمان و سودآوری می‌باشد (کوهن و همکاران^۲، ۲۰۱۰؛ راج و همکاران^۳، ۲۰۰۹). افزون بر این پژوهشگران (وانگ^۴، ۲۰۰۸؛ فلگورا و رودریگز^۵، ۲۰۱۲) اظهار می‌نمایند که به منظور ورود به بازار و ارتقا عملکرد، واحدهای تجاری و تولید می‌بایست گرایش کارآفرینانه قدرتمند داشته باشند. به شکلی که واحدهای تجاری و تولید که سطح گرایش کارآفرینانه در آنها افزایشی است عملکرد مناسب‌تری نسبت به دیگر واحدها دارند (تیلور^۶، ۲۰۱۳). کارآفرینی مقوله بسیار مهمی است که اکثر کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته توجه زیادی به آن مبذول داشته و می‌دارند. به دلیل توسعه و خلق کسب و کارهای نوین و جدید، کارآفرینی برای تسریع فرایند رشد اقتصادی کشورها بااهمیت می‌باشد. کارآفرینی به رشد اقتصادی از طریق خلق و انتقال دانش کمک می‌کند و باعث افزایش رقابت پذیری سازمان می‌شود (اوجا و همکاران^۷، ۲۰۱۹). در زمینه توسعه کارآفرینی عوامل زیادی اثرگذار می‌باشند که شناسایی این عوامل در جهت فراهم کردن آنها از مهمترین مباحث در زمینه توسعه کارآفرینی می‌باشد. در در چند سال گذشته، از جمله محورهای عمده در تحقیقات مرتبط با کارآفرینی، مطالعه عوامل موثر بر انجام دادن فعالیت های کارآفرینانه از جانب واحدهای تولیدی بوده و محققان زیادی

¹ - Gibb

² - Kuhn et al

³ - Rauch et al

⁴ - Wang

⁵ - Felgueira & Rodrigues

⁶ - Taylor

⁷ - Ojo et al

به بررسی و پژوهش در این حوزه اقدام نموده‌اند. افزایش سطح شناخت از میزان اهمیت نقشی که کارآفرینان در توسعه و رشد اقتصادی اجتماعی ایفاء می‌نماید، انگیزه لازم برای درک بهتر علت رفتارهای کارآفرینانه مانند داشتن گرایش مثبت به کارآفرینی را ایجاد کرده است (والیری^۱، ۲۰۱۵). در واقع، ایجاد گرایش به کارآفرینی یکی از مراحل مهم در فرایند کارآفرینی بوده و یک متغیر مهم در پیش‌بینی رفتار کارآفرینانه است (لاگونا^۲، ۲۰۱۳).

برخی از مطالعات از منابع خاص شرکت مانند شبکه و قابلیت‌های رابطه‌ای (جیانگ و لیو^۳، ۲۰۱۸)، نوآوری (کارنی و همکاران^۴، ۲۰۱۴) و بازارگرایی (هولی و همکاران^۵، ۲۰۰۵) به عنوان مکانیزمی برای بهبود عملکرد استفاده کرده‌اند، که این موارد رابطه بین قابلیت‌های مدیریتی و عملکرد را توضیح می‌دهند. با این حال، منابع مهم دیگری برای شرکت وجود دارد که نقش میانجی آنها ناشناخته باقی مانده است. از جمله این موارد می‌توان به جهت‌گیری کارآفرینی اشاره کرد. با هدایت درخواست مدل‌های پیکربندی بیشتر در تحقیقات مدیریت استراتژیک توسط اسنو و همکاران^۶ (۲۰۰۵)، می‌توان نقش واسطه‌ای جهت‌گیری کارآفرینی را در رابطه قابلیت‌های مدیریتی و عملکرد بررسی کرد. جهت‌گیری کارآفرینی به عنوان یک بعد استراتژیک که در آن همه شرکت‌ها تاسیس شده‌اند، مفهوم سازی شده و شامل رفتارهای نوآورانه، ریسک‌پذیر و فعال است (والیس و همکاران^۷، ۲۰۱۵). این رفتارها به گرایش مدیریتی خاصی برای کارآفرینی نیاز دارند و متعاقباً به مقدار زیادی از تغییرات در عملکرد کمک می‌کنند (ولز^۸، ۲۰۱۶؛ کوین و ولز^۹، ۲۰۱۹). تحقیقات نشان می‌دهد که عملکرد برتر نتیجه توانایی‌های مدیریتی و کارآفرینی یک شرکت است (آوتیو و همکاران^{۱۰}، ۲۰۰۰)، که نشان دهنده اهمیت اولیه برای شرکت‌های کوچک و متوسط در سراسر جهان و مفهومی که در نظر گرفتن جهت‌گیری کارآفرینی را به عنوان مکانیزمی در رابطه قابلیت‌های مدیریتی و عملکرد توجیه می‌کند (آکومیا و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۳).

۲-۴. سواد حسابداری

سواد حسابداری یکی از ابعاد دانش مالی است و تبدیل شدن به ابزاری برای تصمیم‌گیری آگاهانه مالی به بخشی جدایی ناپذیر از زندگی فرد تبدیل شده است. از سوی دیگر، فقدان دانش حسابداری باعث عدم برنامه‌های مالی دقیق می‌شود و در نتیجه منجر به سوگیری در دستیابی به رفاه فرد می‌شود. لذا، امروزه به صورت جهانی پذیرفته شده است که سواد حسابداری و مالی یک جزء مهم در ثبات و توسعه مالی و اقتصادی است. تاکنون تعاریف متعددی برای سواد حسابداری ارائه شده است؛ ولی در حال حاضر هیچ توافقی برای تعریف این دو وجود ندارد. هر نهاد برحسب تعریف خود از سواد حسابداری به طراحی ابزارهای سنجش سواد حسابداری پرداخته است؛ به همین دلیل ابزارها و شیوه‌های متعددی در سنجش سواد حسابداری وجود داشته است که این شیوه‌ها و ابزارها تفاوت‌های بسیاری با یکدیگر دارند (آلگود و وال استاد^{۱۲}، ۲۰۱۱). سازمان توسعه و همکاری اقتصادی در سال ۲۰۱۳ در تعریف سواد حسابداری می‌گوید: «سواد

¹ - Valliere

² - Laguna

³ - Jiang & Liu

⁴ - Kearney et al

⁵ - Hooley et al

⁶ - Snow et al

⁷ - Wales et al

⁸ - Wales

⁹ - Covin & Wales

¹⁰ - Autio et al

¹¹ - Akomea et al

¹² - Allgood & Walstad

حسابداری، توانایی قضاوت آگاهانه و تصمیم‌گیری مؤثر درباره استفاده و مدیریت پول است» (ای سیک^۱، ۲۰۱۳). سواد حسابداری عبارت است از توانایی یک فرد در استفاده از دانش و مهارت حسابداری برای مدیریت اثربخش منابع مالی خود به منظور امنیت مالی در طول عمر (جامپستارت^۲، ۲۰۰۹). بی سواد مالیو حسابداری مشارکت کنندگان در تمامی بازارها، به خصوص بازارهای مالی، شرط اول بازار آزاد مطابق تعریف تئوریک آن (دسترسی یکسان به اطلاعات) را نقض می‌کند و می‌تواند عملکرد آن بازارها را تحت تأثیر قرار دهد؛ بنابراین یکی از مسائل اصلی در عملکرد کارای بازارهای مالی، موضوع سواد حسابداری و مالی مشارکت کنندگان فعلی یا بالقوه است (کریم خانی و اسلامی^۳، ۲۰۱۵). سواد حسابداری و درک مفاهیم آن برای سرمایه‌گذاران اهمیت ویژه دارد زیرا تصمیمات مالی اتخاذ شده توسط آنها در طول زندگی تأثیر با اهمیتی بر وضعیت مالی آنها دارد. علاوه بر این، موقعیت مالی آنها در زندگی می‌تواند عملکرد کلی آنها را تحت تأثیر قرار دهد (شیرازیان، ۱۳۹۷). در سال‌های اخیر، کشورهای در حال ظهور و توسعه یافته درگیر مسائلی مربوط به سطح سواد حسابداری و مالی شهروندان خود هستند. زیرا عمدتاً سرمایه‌گذاران با زمینه‌های دشوار اقتصادی و مالی روبرو می‌شوند و این واقعیت که عدم سواد حسابداری و مالی یکی از عواملی است که به نشر فقر کمک کرده است و همچنین اینکه تصمیم‌گیری‌های مالی پیامدهای منفی بزرگی در موقعیت‌های مالی ریسکی می‌تواند داشته باشد، را نمی‌توان پنهان کرد (گراردی و همکاران^۴، ۲۰۱۰). از طرفی دیگر تصمیم‌های مالی، پیچیده و دارای ریسک و عدم اطمینان هستند. بنابراین، احساسات پس زمینه، و یا شرایط فرد مانند سواد حسابداری آنها، ممکن است بر تصمیم‌های مالی اثر بگذارند (نافسینگر^۵، ۲۰۱۴).

۲-۵. سواد حسابداری و عملکرد تجاری

فعالیت اصلی سیستم حسابداری، حسابداری است. فرایند حسابداری هر سازمان شامل حسابداری است که ضبط معاملات مالی است (اودین و همکاران^۶، ۲۰۱۷). یک حسابدار کارمندی است که معاملات مالی روزانه یک سازمان را پیگیری می‌کند (ارنست^۷، ۲۰۱۸). او به طور معمول مسئول پیگیری خریدها، فروش، رسید و پرداخت در دفاتر روزانه است. یک حسابدار وظیفه دارد اطمینان حاصل کند که کلیه معاملات، چه پول نقد و چه اعتبار، به درستی در دفاتر روزانه و دفتر کل ثبت شده است (ارنست، ۲۰۱۸). طبق گفته‌های ماسکو و مالانی^۸ (۲۰۱۱)، ضبط سوابق تجاری خرد و کوچک ستون فقرات عملکرد تجاری آنها است. نگه داشتن سوابق مناسب حسابداری همان چیزی است که باعث افزایش سودآور می‌شود. هولمز و گوپتا^۹ (۲۰۱۵) تصور می‌کنند که بیشتر اپراتورهای تجاری، به ویژه آنهایی که در شرکت‌های خرد و کوچک هستند، نگه داشتن سوابق را راهی برای جبران سرمایه‌گذاری اولیه در قالب پول نقد در پایان دوره حسابداری می‌دانند. اگر مشاغل کوچک سوابق حسابداری خوبی را حفظ نکنند، بقاء طولانی مدت یک شرکت به خطر می‌افتد. از این رو می‌توان بیان کرد که سواد حسابداری تسلط بر اصول اساسی حسابداری و مالی و استفاده از مهارت‌ها برای تقویت

¹ - Australian Securities and Investments Commission (ASIC).

² - Jumpstart

³ - Karimkhani & eslami

⁴ - Gerardi et al

⁵ - Nofsinger

⁶ - Uddin et al

⁷ - Ernest

⁸ - Maseko & Manyani

⁹ - Holmes & Gupta

عملکرد تجارت یا بهبود تصمیم گیری است (آرومونا و همکاران^۱، ۲۰۱۹؛ جولوس تومبا و همکاران، ۲۰۲۲). سواد حسابداری همچنین به عنوان دانش حسابداری شناخته می شود، به این معنی که در مورد مسائل حسابداری آگاهی داشته باشد و یک ضرورت در تقویت صلاحیت حسابداری است که به حاشیه رقابتی ترجمه می شود (لوساردی و میشل، ۲۰۰۷). به گفته هونگ و همکاران^۲ (۲۰۰۹)، کارآفرینان با سواد حسابداری صلاحیت بیشتری دارند و به عملکرد بالاتری می رسند. به عبارت دیگر، هرچه افراد سواد حسابداری بیشتری کسب می کنند، در امور حسابداری دانش بیشتری پیدا می کنند. همانطور که توسط ارین و همکاران^۳ (۲۰۱۷) بیان شده است، سواد حسابداری مدیران شرکت ها تأثیر قابل توجهی در تصمیمات استراتژیک شرکت ها دارد که به نوبه خود بر موفقیت تجارت تأثیر می گذارد. گوتسمن و موری^۴ (۲۰۰۶) دریافتند که مدیران مشاغل با درک بیشتر به کارگیری مدل های حسابداری و مالی تأثیر مثبت بر نتایج یک شرکت دارند. این مطابق با پژوهش هاستینگز و همکاران^۵ (۲۰۱۳) است که خاطرنشان کرد که سواد حسابداری به مدیران کمک می کند تا عملکرد بهتری داشته باشند.

۲-۶. سواد حسابداری و توانمندسازی جامعه

سواد حسابداری به عنوان تعیین کننده اصلی بهزیستی اقتصادی و توانمندسازی جامعه عمل می کند (پاناکاجی^۶، ۲۰۲۳). در جوامع کم درآمد، تأثیر سواد حسابداری به ویژه برجسته می شود، زیرا افراد جامعه با چالش های منحصر به فرد حرکت می کنند که اغلب اختلافات اقتصادی را تشدید می کند. جوامع کم درآمد در دستیابی به سواد حسابداری با بسیاری از چالش ها و موانع روبرو هستند (علی و باکار^۷، ۲۰۱۵). نابرابری های اقتصادی دسترسی به منابع رسمی آموزش مالی را محدود می کند و باعث تشدید شکاف بین افراد دارای دانش حسابداری و مالی و افراد بدون آن می شود. دسترسی محدود به خدمات بانکی، که اغلب توسط عوامل جغرافیایی و اقتصادی تشدید می شود، افراد را از درگیر شدن با موسسات مالی اصلی محدود می کند. موانع زبانی، دستیابی به تحصیلات کم و ظرافت های فرهنگی تلاش های بیشتری را برای انتقال دانش حسابداری و مالی به روشی معنی دار پیچیده تر می کند. علاوه بر این، مسائل اعتماد به موسسات مالی ممکن است منجر به شک و تردید و عدم تمایل به مشارکت با ابتکارات رسمی آموزش مالی شود (ویلیس^۸، ۲۰۰۸). این چالش ها مانع مهمی برای ایجاد سواد حسابداری و مالی در جوامع کم درآمد ایجاد می کند و افراد را از دستیابی به مهارت های لازم برای تصمیم گیری های مالی آگاهانه باز می دارد. تحقیقات در مورد تأثیر سواد حسابداری و مالی در جوامع کم درآمد بر اهمیت پرداختن به این چالش ها تأکید می کند. مطالعات به طور مداوم نشان می دهد که افزایش سواد حسابداری و مالی با بهبود رفتارهای مالی ارتباط مثبت دارد. افراد با سطح بالاتری از سواد حسابداری و مالی تمایل دارند که به طور مؤثرتری در پس انداز شرکت کنند، تصمیمات سرمایه گذاری آگاهانه بگیرند و بدهی را با مسئولیت پذیری بیشتری مدیریت کنند. علاوه بر این، افزایش سواد حسابداری و مالی به افزایش اعتماد به نفس

¹ - Arumona et al

² - Hung et al

³ - Erin et al

⁴ - Gottesman & Morey

⁵ - Hastings et al

⁶ - Panakaje et al

⁷ - Ali & Bakar

⁸ - Willis

در تصمیم گیری مالی کمک می کند و منجر به پیشرفت کلی در بهزیستی اقتصادی و به تبع آن افزایش توانمندسازی جامعه می شود (ایبریم و همکاران، ۲۰۲۴).

۲-۷. ابتکارات حسابداری در پیشبرد سواد حسابداری برای توانمندسازی جامعه

ابتکارات حسابداری داوطلبانه بیانگر یک رویکرد مردمی برای پرداختن به چالش های سواد حسابداری در مناطق کم درآمد است (آروسی^۱، ۲۰۱۴). این ابتکارات شامل متخصصان و افراد دارای تخصص مالی داوطلبانه وقت و مهارت های خود برای آموزش و کمک به اعضای جامعه است. دامنه ابتکارات حسابداری داوطلبانه فراتر از برنامه های سنتی آموزش مالی، شامل فعالیت هایی مانند کمک بودجه، تهیه مالیات و پشتیبانی اساسی حسابداری است. این ابتکارات با مشارکت مستقیم با اعضای جامعه، با هدف توانمندسازی افراد با دانش و مهارت های مالی عملی هدف قرار می گیرند. چندین ابتکار عمل موفق حسابداری داوطلبانه تأثیر مثبت تلاش های مبتنی بر جامعه را نشان داده است. برنامه ها داوطلبان را به طور موثری برای ارائه کارگاه های آموزش مالی، ارائه مشاوره یک به یک و مشارکت در زمینه دسترسی به جامعه بسیج کرده اند. این ابتکارات نتایج ملموس، از جمله افزایش سطح سواد حسابداری و مالی، بهبود رفتارهای مالی و افزایش احساس توانمندسازی در بین اعضای جامعه را گزارش کرده است (ایبریم و همکاران، ۲۰۲۴). ابتکارات سواد حسابداری که توسط داوطلبان هدایت می شود نقش مهمی در پرداختن به نابرابری های اقتصادی و توانمندسازی جوامع دارد. با این حال، راه موفقیت اغلب مملو از چالش ها است (اورتون^۲، ۲۰۰۷).

درک این موانع و یادگیری از موفقیت ها و شکست ها برای بهبود اثربخشی ابتکارات حسابداری داوطلبانه بسیار مهم است. زیرا ابتکارات حسابداری داوطلبانه اغلب با منابع مالی و انسانی محدود عمل می کند. داوطلبان ممکن است از نظر زمان، بودجه و دسترسی به فناوری با محدودیت هایی روبرو شوند و مانع مقیاس پذیری و پایداری برنامه های خود شوند. ایجاد اعتماد در جوامع یک چالش مشترک است. افراد جامعه ممکن است نسبت به موسسات مالی محتاط باشند و حسابداران داوطلب باید با جدیت تلاش کنند تا گزارش و اعتبار را بخصوص در مناطقی که از لحاظ فرهنگی و اقتصادی متنوع هستند مهیا سازند. داوطلبان باید با توجه به تنوع زبانی و تغییرات فرهنگی در شیوه های مالی و حسابداری با مفاهیم مالی و حسابداری پیچیده، به روشی که به راحتی قابل درک است ارتباط برقرار کنند (ایبریم و همکاران، ۲۰۲۴). ابتکارات موفق یک رویکرد جامعه محور را در اولویت قرار می دهد. برنامه های مناسب برای تأمین نیازهای خاص و زمینه فرهنگی جامعه، تعامل را تقویت می کند و احساس مالکیت را در بین شرکت کنندگان تقویت می کند. همکاری با سازمان های محلی، رهبران و مشاغل ابتکارات را تقویت می کند. ایجاد مشارکت تضمین می کند که ابتکارات در شبکه های موجود جامعه تعبیه شده و از دانش و منابع محلی بهره مند شوند. ابتکارات موفقیت آمیز اهمیت آموزش مالی جامع را به رسمیت می شناسند. فراتر از سواد حسابداری اساسی، برنامه هایی که به موضوعات سیستمی، مانند تولید درآمد و توسعه اقتصادی می پردازند، به نتایج پایدارتر و جامع تر کمک می کنند. فن آوری اهرم می تواند باعث افزایش و تأثیر ابتکارات حسابداری داوطلبانه شود (چوپرا و نارایانا^۳، ۲۰۱۳). سیستم عامل های آنلاین، برنامه های تلفن همراه و منابع مجازی می توانند بر موانع جغرافیایی غلبه کرده و پشتیبانی مستمر از جوامع را فراهم کنند (ایبریم و همکاران، ۲۰۲۴).

¹ - Arrossi et al

² - Orton

³ - Chopra & Narayana

ابتکارات حسابداری داوطلبانه با چالش های مربوط به منابع محدود، اعتماد به نفس، ظرافت های فرهنگی و پایداری روبرو هستند. برای رسیدگی به این موارد، ابتکارات باید از لحاظ استراتژیک منابع را تخصیص دهند، با جوامع درگیر شوند، در ظرفیت سازی سرمایه گذاری کنند، برنامه ریزی بلند مدت را در اولویت قرار دهند و شیوه های نظارت و ارزیابی قوی را اجرا کنند. فن آوری اهرم می تواند کارآیی را بهینه کند (چوی و چان^۱، ۲۰۱۹)، در حالی که مشارکت با سازمان های محلی و منابع جامعه موجود می تواند تأثیر را گسترش دهد (اسپیچ و همکاران^۲، ۲۰۱۶). درک پویایی جامعه و درگیر کردن اعضای جامعه در طراحی برنامه برای اعتماد به نفس بسیار مهم است (واریلز و همکاران^۳، ۲۰۱۵). ظرفیت سازی برای داوطلبان برای پایداری طولانی مدت ضروری است (وانگ و همکاران^۴، ۲۰۲۰)، و راهکارهایی برای حفظ داوطلبانه و تعامل مداوم جامعه برای تأثیر ماندگار بسیار مهم است (لوف و همکاران^۵، ۲۰۱۱).

تأثیر بلند مدت ابتکارات حسابداری داوطلبانه بر رفاه اقتصادی جوامع کم درآمد چند وجهی است. ابتکارات پایدار به تنوع اقتصادی در جوامع کمک می کند. با استفاده از مهارت های فرا تر از سواد مالی اساسی، مانند دانش کارآفرینی، اعضای جامعه برای کشف فرصت های اقتصادی متنوع، از بین بردن از منابع سنتی، غالباً ناپایدار، مجهز هستند. جوامع با سواد حسابداری در مقابل شوک های اقتصادی مقاومت بیشتری دارند. مهارت های به دست آمده از طریق ابتکارات حسابداری داوطلبانه، افراد را قادر می سازد تا در مواقع چالش برانگیز تصمیمات مالی سالم بگیرند، آسیب پذیری را کاهش دهند و تأثیر عدم قطعیت های اقتصادی را کاهش دهند. ابتکارات پایدار تأثیر نسلی دارند. هنگامی که افراد درون یک جامعه مجهز به مهارت های سواد حسابداری هستند، این دانش را به نسل بعدی منتقل می کنند. این یک چرخه مثبت از توانمندسازی، شکستن انتقال بین نسلی فقر و تقویت فرهنگ مسئولیت مالی را ایجاد می کند. با ترسیم درس از ابتکارات موفق که بر رویکردهای جامعه محور، همکاری، آموزش مالی جامع و ادغام تکنولوژیکی تأکید می کند، ابتکارات حسابداری داوطلبانه می تواند اثربخشی آنها را تقویت کرده و موجب پیشبرد سواد حسابداری برای توانمندسازی جامعه شود (ایبریم و همکاران، ۲۰۲۴).

۴. بحث و نتیجه گیری

از آنجایی که دنیای کسب و کار به سرعت در حال تغییر است کارآفرینان می بایست علاوه بر هماهنگی و همگام شدن با این تغییرات، مهارت های لازم آموزشی، از مهارت های دانش تخصصی و خبرگی در حسابداری نیز برخوردار باشند تا بتوانند به طور اثربخش و کارآمد از اطلاعات گسترده مرتبط با حوزه کاری خود استفاده نمایند. خصوصاً هنگامی که فناوری به تنهایی برای خلق مزیت رقابتی در اقتصاد دیجیتالی امروز کافی نباشد. بنابراین ضروری است که کارآفرینان مهارت هایی را کسب نمایند که آنها را قادر می سازد تا مدیریت اطلاعات و استفاده از سواد و دانش مالی و حسابداری در محیط های کاری را با موفقیت انجام دهند و عملکرد خود را بهبود بخشند. از این رو توجه به این نکته حائز اهمیت است که سواد مالی و حسابداری به واسطه قابلیت هایی که در فرد کارآفرین ایجاد می نماید، به وی امکان می دهد تا اطلاع دقیقی در مورد محاسبات مربوط به امور مدیریت مالی و اصول مرتبط با تنوع ریسک داشته باشد و بر همین اساس، فرد

¹ - Chui & Chan

² - Schech et al

³ - Vareilles et al

⁴ - Wang et al

⁵ - Lough et al

کارآفرین در مواجهه با موقعیت‌هایی که نیازمند گزینش‌های مالی است، می‌تواند به شکل کارآمدتری تصمیم‌گیری نماید. بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که بی‌سواد مالی و حسابداری دلیل عملکرد ضعیف تجارت در بین کارآفرینان است. این بدان معنی است که شانس بیشتری برای کارآفرینان با سواد مالی و حسابداری وجود دارد که از کسانی که سواد مالی و حسابداری پایین دارند، موفق‌تر باشند. افزون بر این، جوامع با سواد حسابداری به احتمال زیاد برای حمایت از حقوق و نیازهای اقتصادی خود مشغول حمایت هستند. این افزایش مشارکت می‌تواند منجر به تغییر سیاست، بهبود دسترسی به خدمات مالی و ورود بیشتر اقتصادی برای جوامع کم درآمد شود. هدف نهایی ابتکارات حسابداری داوطلبانه بهبود کیفیت کلی زندگی در جوامع کم درآمد است. تأثیرات پایدار بر بهزیستی اقتصادی به بهبود مسکن، آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و توسعه کلی جامعه تبدیل می‌شود. در پایان، پیوند بین سواد حسابداری و توانمندسازی جامعه در تقویت توسعه پایدار در جوامع کم درآمد مؤثر است. بررسی پایداری ابتکارات حسابداری داوطلبانه، استراتژی‌های کلیدی مانند ادغام جامعه، ایجاد ظرفیت، همکاری با نهادهای محلی، شامل فناوری و برنامه ریزی بلند مدت را نشان می‌دهد. تأثیر طولانی مدت بر بهزیستی اقتصادی جوامع کم درآمد فراتر از سودهای مالی فوری، کمک به تنوع اقتصادی، انعطاف‌پذیری جامعه، تأثیر نسلی، افزایش حمایت و مشارکت و بهبود کلی در کیفیت زندگی برای اعضای جامعه است. ابتکارات پایدار، ریشه در توانمندسازی افراد و جوامع، راه را برای ماندگاری مثبت و خودکفایی اقتصادی هموار می‌کند. این شواهد از نقش جدایی‌ناپذیر سواد حسابداری در تقویت توانمندسازی جامعه و توسعه پایدار، به ویژه در جوامع کم درآمد پشتیبانی می‌کند. سواد حسابداری افراد و جوامع را با دانش و مهارت‌های لازم برای تصمیم‌گیری‌های مالی آگاهانه، حرکت به چالش‌های اقتصادی و دفاع از نیازهای آنها مجهز می‌کند. این در نهایت به توسعه کلی و تاب‌آوری جوامع کمک می‌کند. در راستای نتیجه‌گیری در بالا، از این امر حمایت شد که افراد جامعه و به ویژه کارآفرینان باید برای به روزرسانی دانش خود در مورد مسائل مالی و حسابداری تلاش کنند. همچنین، باید مرتباً در آموزش‌ها، کارگاه‌ها و سمینارهای حسابداری و سایر مفاهیم مالی شرکت کنند. این مراحل اطمینان حاصل می‌کند که کارآفرینان به اندازه کافی آماده رقابت هستند و احتمالاً از رقبای خود بهتر عمل می‌کنند.

۵. منابع و مآخذ

۱. آقاجانی، حسنعلی؛ صمدی میارکلایی، حسین و صمدی میارکلایی، حمزه. (۱۳۹۴). بررسی رابطه میان کارآفرینی سازمانی و ویژگی‌های سازمان یادگیرنده، مدیریت بهره‌وری دوره ۹، شماره ۳۵، ۳۹-۶۴.
۲. پاشایی، عزیزه؛ حسنی، محمد؛ مهاجران، بهناز و شهبازی، کیومرث. (۱۴۰۲). بررسی رابطه علی آموزش اقتصاد با سواد مالی، مهارت‌های تصمیم‌گیری و قصد کارآفرینی دانشجویان، آموزش مهندسی ایران دوره ۲۵، شماره ۹۷، ۱-۲۳.
۳. عزیزی، خدیجه؛ حسین پور، مهدی و رضایی، بیژن. (۱۴۰۰). بررسی رابطه بین جو مراقبانه و خودکارآمدی با نگرش به کارآفرینی کارکنان بیمارستان، روانشناسی و علوم رفتاری ایران دوره ۲۸، ۱۲-۲۲.
۴. دری سده، سولماز و توکلی، مرتضی. (۱۴۰۰). بررسی و ارزیابی سواد مالی کارآفرینان روستایی شهرستان سمیرم استان اصفهان، فصلنامه روستا و توسعه پایدار فضا دوره ۲، شماره ۱، ۹۷-۱۱۲.
۵. دهقانی زاده، مرضیه و فرجی، محمد جواد. (۱۴۰۲). مدل اثرگذاری جهت‌گیری کارآفرینی و بازار بر عملکرد شرکت پگاه فارس با توجه به نقش دوستوانی نوآوری، ظرفیت جذب و سرمایه انسانی، مدیریت نوآوری در سازمان‌های دفاعی دوره ۶، شماره ۲، ۱-۲۸.

۶. شیرازیان، زهرا. (۱۳۹۷). بررسی نقش سواد مالی و مدیریت پول بر مدیریت مالی شخصی سرمایه گذاران بورس اوراق بهادار تهران، *دانش مالی تحلیل اوراق بهادار* دوره ۱۱، شماره ۳۸، ۱۴۵-۱۶۳.
۷. کنجکاو منفرد، امیررضا و مهارت، منیره. (۱۴۰۱). واکاوی تاثیر سرمایه اجتماعی بر گرایش کارآفرینانه، *خلافت و عملکرد دانشگاه با نقش میانجی مدیریت دانش، فصلنامه آموزش علوم دریایی* دوره ۹، شماره ۱، ۸۷-۱۰۰.
۸. ملک اخلاق، اسماعیل؛ وشکائی نژاد، سیده صدف و حاتمی نژاد، محمد. (۱۴۰۱). تاثیر گرایش به کارآفرینی و چابکی استراتژیک با نوآوری مدل کسب و کار و قابلیت یادگیری بر عملکرد شرکت ها، *فصلنامه کاوش های مدیریت بازرگانی* دوره ۱۵، شماره ۲۸، ۳۱-۷۴.
9. Akomea, S.Y., Agyapong, A., Aidoo, S.O. and Kyei, S.M. (2023), "The roles of social capital, entrepreneurial orientation and competitive intensity in managerial capability and performance relationship: evidence from an emerging market economy", *Journal of Strategy and Management*. 16(2), 341-361.
10. Ali, A., and Bakar, A., (2015). Financial satisfaction and the influence of financial literacy in Malaysia. *Social Indicators Research*, 120, 137-156.
11. Allgood, S; Walstad, William, B. (2011). The effect of perceived and actual financial knowledge on credit card behavior, *NFI Working Papers*, Indiana State University.
12. Alshebami, A. and Murad, M. (2022). The moderation effect of entrepreneurial resilience on the relationship between financial literacy and sustainable performance. *Frontiers in Psychology*, 13.
13. Arini, F., Widaningrum, A., & Hadna, A. (2020). Poverty reduction and financial literacy for women in indonesia.
14. Arrossi, S., Bombarolo, F., Hardoy, J.E., Mitlin, D., Coscio, L.P. and Satterthwaite, D., (2014). *Funding community initiatives*. Routledge.
15. Arumona, J., Erin, O., Onmonya, L., & Omotayo, V. (2019). Board financial education and firm performance: Evidence from the healthcare sector in Nigeria. *Academy of Strategic Management Journal*, 18(4), 1-14.
16. Australian Securities and Investments Commission (ASIC). (2013). Review of the National Financial Literacy Strategy, report: 339, 1-32.
17. Autio, E., Sapienza, H.J. and Almeida, J.G. (2000), "Effects of age at entry, knowledge intensity, and imitability on international growth", *Academy of Management Journal*, Vol. 43 No. 5, pp. 909-924.
18. Atkinson, A., (2017). Financial Education for MSMEs and Potential Entrepreneurs. *OECD Working Papers on Finance, Insurance and Private Pensions* n. 43. Available at: Doi: 10.1787/20797117.
19. Bates, T., (1990). Entrepreneur human capital inputs and small business longevity. *Rev. Econ. Stat.* 72 (4), 551-559.
20. Blanchflower, D.G., Oswald, A.J., Stutzer, A., (2001). Latent entrepreneurship across nations. *Eur. Econ. Rev.* 45 (4/6), 680-691.
21. Carr, D., (1996). Two paths to self-employment? Women's and men's self-employment in the United States, 1980. *Work. Occup.* 23 (1), 26-53
22. Cassar, G., (2004). The financing of business start-ups. *J. Bus. Ventur.* 19 (2), 261-283.
23. Chopra, S.K. and Narayana, M.G.P.L., (2013), October. Creating shared value by aligning business and social objectives through the application of technology. In 2013 IEEE global humanitarian technology conference (GHTC) (pp. 489-494). IEEE.
24. Colombo DAdda D., and Quas A., M.G., 2019. The geography of venture capital and entrepreneurial ventures' demand for external equity. *Res. Policy* 48 (5), 1150-1170

25. Covin, J.G. and Wales, W.J. (2019), "Crafting high-impact entrepreneurial orientation research: some suggested guidelines", *Entrepreneurship Theory and Practice*. 43(1), 3-18.
26. Cumurovic, A., Hyll, W., (2019). Financial literacy and self-employment. *J. Consum. Aff.* 53 (2), 455-487.
27. Daniel, S. and Joseph, S., (2022). The Intersection of Education and Finance: Navigating the Economic Landscape of Learning.
28. Davila, A., Foster, G., (2005). Management accounting systems adoption decision: evidence and performance implications from early-stage/startup companies'. *Account. Rev.* 80 (4), 1039-1068.
29. Davila, A., Foster, G., Jia, N., (2010). Building sustainable high-growth startup companies: management systems as an accelerator. *Calif. Manage. Rev.* 52 (3), 79-105.
30. Ebirim G. U. Ndubuisi, N. L. Unigwe, I. F. Asuzu, O. F. Adelekan, O. A. Awonuga, K. F. (2024). Financial literacy and community empowerment: A review of volunteer accounting initiatives in low-income areas. *International Journal of Science and Research Archive*, 11(01), 975-985.
31. Echoles, A., & Neck, C. (1998). The Impact of behavior and Structure on Corporate Entrepreneurship. *Journal of Managerial Psychology*, 38-46.
32. Ernest, N. (2018). The role of bookkeeping on the survival of very small businesses in the Kumba Municipality. *International Journal of Advanced Engineering, Management and Science*, 4(10), 713-723.
33. Erin, O., Olojede, P., & Ogundele, O. (2017). Corporate governance attributes and financial disclosure quality: Evidence from listed firms in Nigeria. *ICAN Journal of Accounting and Finance*, 2(1), 355-377.
34. Fahmy, W., Haron, N., Lim, S., Jackson-Morris, A., & Mustapha, F. (2022). Building the capacity of community health volunteers for non-communicable disease prevention in low-income urban communities in malaysia. *Journal of Global Health Reports*, 6.
35. Fernandes, D., Lynch, J., & Netemeyer, R. (2014). Financial literacy, financial education, and downstream financial behaviors. *Management Science*, 60(8), 1861-1883.
36. Gerardi, K., Goette, L., Meier, S. (2010). Financial literacy and subprime mortgage delinquency: evidence from a survey matched to administrative data, Federal Reserve Bank of Atlanta Working Paper 2010-10.
37. Gibb, A. A., & Hannon, P. (2006). Towards the Entrepreneurial University?. *International Journal of Entrepreneurship Education*, 4, 73-110.
38. Gibb, A. A. (2012). Towards the Entrepreneurial University. *Entrepreneurship Education as a Lever for Change*. National Council for Graduate Entrepreneurship (NCGE). Retrieved at: www.ncge.org.uk
39. Gottesman, A., & Morey, M. (2006). Does a better education make for better managers? An empirical examination of CEO educational quality and firm performance (SSRN Working Paper 564443).
40. Hamid, N., Sanusi, S., Norizan, S., Urus, S., & Lestari, E. (2023). Determinants of business resilience framework for small businesses: moderating effects of financial literacy. *Review of Economics and Finance*, 21, 55-65
41. Hastings, J. S., Madrian, B. C., & Skimmyhorn, W. L. (2013). Financial literacy, financial education and economic outcomes. *Annual Review of Economics*, 5, 347-373
42. Hilgert, M., Hogarth, J., & Beverly, S. (2003). Household financial management: the connection between knowledge and behaviour. *Federal Reserve Bulletin*, 89(7), 309-322
43. Hooley, G.J., Greenley, G.E., Cadogan, J.W. and Fahy, J. (2005), "The performance impact of marketing resources", *Journal of Business Research*, Vol. 58 No. 1, pp. 18-27.

44. Holmes, S., & Gupta, D. (2015). Opening Aladdin's cave: Unpacking the factors impacting on small businesses. In A. Moore & J. Simon (Eds.), *Small business conditions and finance* (pp. 37-56). Sydney: Reserve Bank of Australia.
45. Hussain, A., Kijkasiwat, P., Rehman, H., & Ullah, M. (2022). Financial literacy and investment decisions: evidence from pakistan. *South Asian Journal of Finance*, 2(2).
46. Hughes, M., Hughes, P., Morgan, R.E., Hodgkinson, I.R. and Lee, Y. (2021), "Strategic entrepreneurship behaviour and the innovation ambidexterity of young technology-based firms in incubators", *International Small Business Journal: Researching Entrepreneurship*. 39(3), 202-227.
47. Hung, A., Parker, A. M., & Yoong, J. (2009). Defining and measuring financial literacy (RAND Working Paper Series WR-708). Santa Monica, CA: RAND Corporation.
48. Irmalis, A. (2022). Behavior of financial management in coastal communities: a case study of west-south aceh millennials. *Journal of Social and Policy Issues*, 1-5.
49. Jiang, J.Y. and Liu, C.W. (2015), "High performance work systems and organizational effectiveness: the mediating role of social capital", *Human Resource Management Review*. 25(1), 126-137.
50. Julius Tumba, N. Onodugo, V. A. Akpan E E and Festus Babarinde G. (2022). Financial literacy and business performance among female micro-entrepreneurs. *Investment Management and Financial Innovations*, 19(1), 156-167.
51. Jumpstart coalition. (2009). National Standard in K-12 Personal Financial Education. [online], available at: <http://www.jumpstart.org/guidehtml>.
52. Karimkhani, M. eslami, S. (2015). Examination the factors affecting on Financial literacy and its relation with participation in Tehran exchange market. Postgraduate Dissertation. Shahid beheshti university. Tehran.
53. Kazemi M R, Mirzaei F, Ziviar F.(2014).Identifying the Factors Affecting Entrepreneurial Attitude in Athletics Students (High Schools of Tehran). *Sport Management Studies*. 2014;6(25): 145-158. [In Persian].
54. Kearney, A., Harrington, D. and Kelliher, F. (2014), "Exploiting managerial capability for innovation in a micro-firm context: new and emerging perspectives within the Irish hotel industry", *European Journal of Training and Development*. 38(1-2), 95-117.
55. Keat, O. Y., Selvarajah, C., & Meyer, D. (2011). Inclination Towards Entrepreneurship among University Students: An Empirical Study of Malaysian University Students. *International Journal of Business and Social Science*, 2(4), 220-206.
56. Kim, J. (2001) Financial knowledge and subjective and objective financial well-being. *Consumer Interests Annual*, 47, 1-3.
57. Klapper, L. and Lusardi, A. (2019). Financial literacy and financial resilience: evidence from around the world. *Financial Management*, 49(3), 589-614.
58. Kuratko, D. F. (2003). *Entrepreneurship Education: Emerging Trends and Challenges for the 21ST Century*. 1-40.
59. Kuhn, B.; Sassmannshausen, SP; Zollin,R.(2010). " Entrepreneurial management as a strategic choice in firm behavior: Linking it with performance", paper presented at the HTSF conference in Twente, The Netherlands.
60. Laguna, M. (2013). Self-efficacy, self-esteem, and entrepreneurship among the unemployed. *Journal of Applied Social Psychology*, 43(2), 253-262.
61. Lee, C. and Huruta, A. (2022). Green microfinance and women's empowerment: why does financial literacy matter?. *Sustainability*, 14(5), 3130.
62. Lough, B., McBride, A., Sherraden, M., & O'Hara, K. (2011). Capacity building contributions of short-term international volunteers. *Journal of Community Practice*, 19(2), 120-137.

63. Lusardi, A., Mitchell, O.S., (2007). Baby Boomer retirement security: The roles of planning, financial literacy, and housing wealth. *J. Monet. Econ.* 54 (1), 205–224.
64. Lusardi, A., & Mitchell, O. S. (2007). Financial literacy and retirement preparedness: Evidence and implications for financial education. *Business Economics*, 42(1), 35-44.
65. Lusardi, A. and Mitchell, O. (2011). Financial literacy and retirement planning in the united states. *Journal of Pension Economics and Finance*, 10(4), 509-525.
66. Lusardi, A., Mitchell, O.S., (2014). The economic importance of financial literacy: theory and evidence. *J. Econ. Lit.* 52 (1), 5–44.
67. Mahendra A M, Djatmika E T, Hermawan A.(2017). The Effect of Entrepreneurship Education on Entrepreneurial Intention Mediated by Motivation and Attitude among Management Students. State University of Malang, Indonesia. *International Education Studies*. 10(9), 61-69.
68. Maseko, N., & Manyani, O. (2011). Accounting practices of SMEs in Zimbabwe: An investigative study of record keeping for performance measurement (A case study of Bindura). *Journal of Accounting and Taxation*, 3, 171-181
69. Mina, A., Lahr, H., Hughes, A., (2013). The demand and supply of external finance for innovative firms. *Ind. Corp. Chang.* 22 (4), 869–901.
70. Nanziri, E. and Leibbrandt, M. (2018). Measuring and profiling financial literacy in south africa. *South African Journal of Economic and Management Sciences*, 21(1).
71. Niemand, T., Rigtering, J.C., Kallmünzer, A., Kraus, S. and Maalaoui, A. (2020), “Digitalization in the financial industry: a contingency approach of entrepreneurial orientation and strategic vision on digitalization”, *European Management Journal*. 39(3), 317-326.
72. Nguyen, C P. Nguyen, B. Duy Tung, Bui & Dinh Su, Thanh, (2021). "Economic complexity and entrepreneurship density: A non-linear effect study," *Technological Forecasting and Social Change*, Elsevier, vol. 173(C).
73. Nofsinger, John R (2014). *The Psychology of Investing*, Pearson Prentice Hall, Upper Saddle River, New Jersey.
74. Ojo, E., Anitsal, I. and Anitsal, M. M. (2019). “Review of Career Education for Women Entrepreneurs in Nigeria”, *Nigerian Women Entrepreneurs*, 207-223.
75. Orton, L., (2007). *Financial literacy: Lessons from international experience*. Ottawa, ON, Canada: Canadian Policy Research Networks, Incorporated.
76. Panakaje, N., Rahiman, H.U., Parvin, S.R., Kulal, A. and Siddiq, A., (2023). Socio-economic empowerment in rural India: Do financial inclusion and literacy matters?. *Cogent Social Sciences*, 9(1), p.2225829
77. Pennings, J.M., Lee, K., Witteloostuijn, A.V., (1998). Human capital, social capital, and firm dissolution. *Acad. Manag. J.* 41 (4), 425–440
78. Rees, H., Shah, A., (1986). An empirical analysis of self-employment in the UK. *J. Appl. Economet.* 11, 95–108.
79. Riepe, J. Rudeloff, M. Veer, T. (2022) Financial literacy and entrepreneurial risk aversion, *Journal of Small Business Management*, 60(2), 289-308.
80. Roach, D.C., Ryman, J.A. and Makani, J. (2016), “Effectuation, innovation and performance in SMEs: an empirical study”, *European Journal of InnovationManagement*, 19(2), 214-238.
81. Schech, S., Skelton, T., & Mundkur, A. (2016). Building relationships and negotiating difference in international development volunteerism. *Geographical Journal*, 184(2), 148-157.
82. Stone, D., Ben, W., & Stephanie, B. (2008). Reducing materialism through financial literacy. *CPA Journal*, 78(2), 12-14.
83. Taylor, P. (2013). The effect of entrepreneurial orientation on the internationalization of SMEs in developing countries “ , *African Journal of Business Management*, 7(19), 1927-1937.

84. Tanggamani, V., Bani, H., Rahim, A., & Alias, N. (2021). Elevating financial literacy among non-governmental organizations (ngos) rulers: cognitive understanding of financial knowledge, skills and responsibility. *International Journal of Academic Research in Business and Social Sciences*, 11(12)
85. Thomas, M.K., (2009). The impact of education histories on the decision to become self-employed: a study of young, aspiring, minority business owners. *Small Bus. Econ.* 33, 455–466
86. Trombetta, M. (2023). Accounting and finance literacy and entrepreneurship: An exploratory study. *J. Account. Public Policy* 42: 107078.
87. Uddin, R., Biswas, T., Ali, J., & Khatun, M. S. (2017). Accounting practices of small and medium enterprises in Rangpur, Bangladesh. *Journal of Business and Financial Affairs*, 6(4), 298-305.
88. Valliere, D. (2015). An effectuation measure of entrepreneurial intent. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 169, 131-142.
89. Van Rooij, M., Lusardi, A., Alessie, R., (2011). Financial literacy and stock market participation. *J. Financ. Econ.* 101 (2), 449–472.
90. Vareilles, G., Marchal, B., Kane, S., Petrič, T., Pictet, G., & Pommier, J. (2015). Understanding the motivation and performance of community health volunteers involved in the delivery of health programmes in kampala, uganda: a realist evaluation. *BMJ Open*, 5(11), e008614.
91. Wales, W., Wiklund, J. and McKelvie, A. (2015), “What about new entry? Examining the theorized role of new entry in the entrepreneurial orientation– performance relationship”, *International Small Business Journal*. 33(4), 351-373,
92. Wales, W.J. (2016), “Entrepreneurial orientation: a review and synthesis of promising research directions”, *International Small Business Journal*. 34(1), 3-15,
93. Wang, C. (2008). Entrepreneurial orientation, learning orientation, and firm performance. *Entrepreneurship theory and practice*, 14(5), 635-657.
94. Wang, Q., Chan, I., & Lou, V. (2020). Effectiveness of a holistic capacity-building program for volunteers in community-based end-of-life care. *Research on Social Work Practice*, 30(4), 408-421.
95. Wardhono, A. and Nasir, M. (2022). Do household financial behaviors affect poverty in indonesia?: evidence from indonesian family life survey. *Jurnal Ekonomi Dan Studi Pembangunan*, 14(1), 15.
96. Willis, L.E., (2008). Against financial-literacy education. *Iowa L. Rev.*, 94, p.197.
97. Zhu, A. and Chou, K. (2018). Financial literacy among hong kong’s chinese adolescents. *Youth & Society*, 52(4), 548-573

Accounting Literacy and its Consequences in Entrepreneurship and Community Empowerment

Afsaneh Nazari¹

Abstract

Entrepreneurs with literacy and accounting knowledge have the ability and self-confidence to manage their personal financial matters and their field of work by making favorable decisions and long-term planning in line with finances. It is not possible to take into account events and changes in economic conditions. Therefore accounting knowledge is of significant importance for entrepreneurs. The issue of accounting literacy and the need to examine it is important in the sense that insufficient financial and accounting knowledge overshadows the lives of individuals, families, friends, companies and business partners of entrepreneurs due to making inappropriate financial decisions and this It has inappropriate effects on the empowerment of the society and even causes a decrease in the national wealth and ultimately decreases the level of financial well-being in the society. Due to the financialization of various aspects of social life, entrepreneurs must have accounting and financial knowledge. Therefore, it can be said that illiteracy (lack of skills and expertise) in the field of accounting can affect the performance of entrepreneurs and the empowerment of society. Therefore, the purpose of this research is to investigate accounting literacy and its consequences in entrepreneurship and community empowerment.

Keywords

Accounting Literacy, Entrepreneurship, Community Empowerment.

1. Ph.D student of Department of Humanities, University of Najafabad, Najafabad, Iran (*Corresponding Author: afsanehnnazari1994@gmail.com).